

از دانشمند محترم:

محمد تقی جعفری آبریزی

جزیه چه بوده است؟

جزیه کلمه‌ای است که ما امروزه آن را بعنوان مالیات استعمال می‌کنیم، و بهمین جهت است که در کتب فقهی ضریبه هم گفته شده است و بدون شك ضریبه بمعنای مالیات است.

جزیه از اهل کتاب که بر دین خود باقی بودند و تحت حکومت اسلامی زندگی میکردند گرفته میشد، مقدار این جزیه همیشه بنظر حاکم و بطور عادلانه در یافت می‌گشت، و در صورت عدم قدرت مالی بجهت کساد معاملات و رکود کشاورزی و سایر حوادث ساقط می‌شد این جزیه هیچ‌گونه عنوان باج و زور گوئی نداشته است، زیرا جزیه حفظ شئون اجتماعی افرادی بوده است که در حکومت اسلامی زندگی میکردند، زیرا همان افراد هم مانند سایر مسلمانان احتیاج بمصارف دولتی داشتند از قبیل لشکر و پلیس و راه‌سازی و سایر منافع عمومی یا وسایل دفع ضررهای عمومی...

دو دلیل بسیار روشن داریم که بخوبی اثبات میکند مسئله جزیه برای تنظیم زندگی خود اهل کتاب بود:

۱- در گذشته اشاره کردیم که در خلافت عمر بن الخطاب امپراتوری روم لشکر انبوهی را برای جنگ با مسلمانان بسیج کرد ، مسلمانان از این قضیه مطلع گشتند ، در آن موقع لشکریان اسلامی حمص را که یکی از شهرهای شام بوده فتح نموده و اشغال کرده بودند . لشکریان اسلامی مطابق قانون اسلامی از اهالی حمص جزیه گرفته بودند ، با اطلاع از قصد هجوم امپراطوری روم تمام جزیه‌ها را که از اهالی حمص گرفته بودند باز گرداندند . و چنین گفتند که : ما از یاری و دفاع از شما بجهت مقابله با حمله امپراطوری روم عاجزیم ، لذا بایستی خودتان بامورتان رسیدگی کنید . اهالی حمص گفتند : یقیناً زمامداری و دادگری شما برای ما محبوبتر از آن است که ما در گذشته داشتیم ، ما در گذشته ستم دیده و بینوایان بوده ایم ، اولین مرتبه قوم یهود حرکت کرده ، گفتند : سوگند به تورات ما با لشکریان روم دوشادوش فرمانده شما خواهیم جنگید ، و نخواهیم گذاشت فرمانده روم به حمص وارد شود ، مگر اینکه توانائی ما از دست برود ؛ یا مغلوب شویم . یهود دروازه‌های شهر را بسته و خود بحراست آن متصدی شدند ؛ و همچنین اهل سایر شهرها از یهود و نصاری که با مسلمانان صلح نموده و در حکومت آنان زندگی میکردند ؛ چنین اقدامی نمودند ، و میگفتند اگر امپراطور روم غلبه کرد ما مجبوریم بهمان حال اولی بسازیم ؛ و اگر غلبه از ناحیه امپراطور روم نبود ، تا آخرین فرد که از مسلمانان باقی بماند ما با مسلمانان خواهیم بود و موقعی که خداوند متعال کفار روم را مغلوب و مسلمانان را پیروز ساخت ؛ شهرها را بروی مسلمانان باز کردند و با موزیک و خوشحالی و رقصیدن به پیشواز مسلمانان رفته و جزیه را دوباره پرداختند» (فتوح البلدان - البلاذری

ج ۱/ص ۱۸۷

و همین داستان را جرجی زیدان نیز در تاریخ تمدن اسلامی «ج ۱/ص ۸۲» نقل کرده است .

۲- یکی از مسائل قطعی فقه اسلامی اینست که اگر کسی يك فردی را بطور خطائی بکشد؛ بدون شك دیة خطائی مقتول را عاقله قاتل می پردازند مقصود از عاقله عموها و عموزاده‌ها و برادرها و برادرزاده می باشد. بعضی از فقها پدر را هم از عاقله محسوب میکنند (۱) حال اگر قاتل خطائی یکی از اهل کتابی بوده باشد که در حکومت اسلامی زندگی میکنند؛ در اینجا اولادیه مقتول را از خود قاتل مطالبه میکنند؛ و در صورت فقر قاتل دیه را بیت المال مسلمین پرداخت خواهد کرد، در اینجا فقها علتی که ذکر میکنند اینست که اهل کتاب مالیاتشان را پرداخته اند .

در حقیقت بیت المال مسلمین با دریافت جزیه اینگونه خطاهای کفار را بعهده خود گرفته است .

از این دو دلیل روشن گاه لا استفاده میشود که مسئله جزیه عنوان باج نیرومندی نداشته؛ بلکه مالیات عادلانه‌ای بوده است که برای حفظ جان و مال کفار در تحت حکومت اسلامی وصول میشد .

«۱» در ابتدا بنظر میرسد که این حکم عادلانه نیست زیرا بجهت کسی جنایتی بکنند و کس دیگر خسارت او را بپردازد؛ ولی با دقت کافی در حکمت این قانون معلوم میشود که بهترین حکم در این باره همین است زیرا از یکطرف قاتل خطائی را نمیتوان مجرم شمرد . از طرف دیگر خون مقتول نباید هدر برود، در اینجا برای پیوستن افراد انسانی با همدیگر اسلام نزدیکترین خویشاوندان را پرداخت دیة خطائی ملزم می کند. زیرا تعلیم و تربیت و اخلاقیات انسانی در دایره همین خویشاوندان انجام میگردد در حقیقت این پرداخت مالی خویشاوندان را بالنسبه بهمدیگر از بی طرفی خارج ساخته مانند يك ذنجیر متصل با همدیگر می پیوندد .

اما شواهدی که عادلانه بودن این مالیات را اثبات میکند بقدری زیاد است که احتیاجی به تفصیل ندارد.

اولاً از نظر فقهی - فقهاء گفته اند: حدود مقدار شخصی ندارد، بلکه بستگی به نظر حاکم دارد. و اینکه این مالیات بایستی در حدود توانائی آنها بوده باشد مورد هیچ گونه تشکیکی نیست.

در روایت صحیح زراره این مسئله چنین است که زراره میگوید: «از جعفر بن محمد صادق (ع) مقدار جزیه ای را که باید از اهل کتاب گرفته شود پرسیدم، آنحضرت فرمود: مقدار این مالیات بسته بنظر حاکم است او این مالیات را بقدر طاقت از اهل کتاب خواهد گرفت». فقهای اسلامی مطابق همین روایت معتبر فتوی داده اند.

مخفی نماند که این مالیات منحصرأ بطور سرانه دریافت نمیشد. بلکه چنانکه حاکم میتواند بطور سرانه این مالیات را بگیرد، همچنان میتواند روی اراضی آنها وصول نماید.

کودکان و دیوانگان و زنهای این مالیات معاف بوده اند، در باره پیرمردان و بیماران و نابینایان بعضی از فقهاء گفته اند: آنها هم معاف از این مالیات میباشند.

یکی از دستورات امیر المؤمنین (ع) به متصدیان وصول مالیات بقرار

ذیل است:

« این دستوری است از بنده خدا علی امیر المؤمنین به متصدیان مالیات: کسیکه بسر نوشت خود بی اعتنا باشد برای خود کاری انجام نخواهد داد که از سر نوشت زشت باز بدارد. بدانید تکلیفی که شما متوجه شده است آسان بوده و پاداش آن در آینده زیاد میباشد اگر کیفر

خداوندی در مقابل ظلم و عدوان باعث ترس نبود، پاداش اجتناب از آن محرمات کافی بود که انسان در ترك آن معاصی معذور نبوده باشد، بامردم انصاف کنید. . . . احتیاجات آنها را با شکیبائی بر آورید، زیرا شما خزانه داران رعیت هستید، و کلای اجتماع و نمایندگان زمامدارانید. هیچ کس را از بر آوردن احتیاجاتش محروم نکنید، از خواسته هایش ممنوع ننمائید. برای اخذ مالیات مردم را وادار بفروش لباس تابستانی و زمستانی نکنید. حیواناتی را که کارگر آنهاست از آنها نگیرید. برای يك درهم پیشیزی بآنان تازیانه نزنید بمال هیچکس از نماز گزاران و هم پیمانان دست درازی نکنید»

(نهج البلاغه ج ۳ ص ۹۰)

در فرمان مالک اشتر هنگامیکه طبقات مردم را تقسیم بندی میکند مالیات پردازان اهل کتاب را یکی از طبقات اصیل جامعه می شمارد، در آنجا چنین میفرماید:

«نفوس جامعه طبقاتی هستند که وجود هر يك برای جامعه ما نند سایر اجزاء اهمیت دارد: ارتش خدائی، نویسندگان عمومی و خصوصی، داد- رسان دادگر، متصدیان تنظیم شئون اجتماعی با انصاف و مدارا، پرداخت- کنندگان مالیات از مسلمان و غیر مسلمان، بازرگانان و پیشه وران و صنعتگران ...»

باز در همین فرمان دستور چنین میدهد:

«در مسئله مالیات دقت بیشتری مبذول بدار بطوریکه مطابق مصلحت پرداخت کنندگان بوده باشد زیرا با صلاحیت بودن مالیات صلاح-

پرداخت کنندگان و دیگران تأمین خواهد شد؛ برای دیگران صلاحی جز بوسیله آنها وجود ندارد؛ زیرا تمام مردم از مالیات و مالیات پرداخت کنندگان بهره برداری میکنند. کوشش و فعالیت تو در آباد کردن زمین زیاد تر از بدست آوردن مالیات بوده باشد، زیرا پرداخت مالیات بدون آبادی زمین امکان پذیر نیست کسیکه بدون آبادی توقع مالیات داشته باشد شهرها را خراب و بندگان خدا را از زندگی ساقط خواهد کرد، زمامداری او طولی نخواهد کشید. اگر پرداخت کنندگان از سنگینی زندگی یا از بیماری یابی آبی، وسیل که سرزمین آنها را غرق کرده شکایت داشته باشند، آنقدر باید بآنها تخفیف بدهی که امور زندگیشان تنظیم شود ...»

در باره اینکه قانون جزیه در اسلام دادگرانه بوده است، مدارک زیادی داریم و با قطع نظر از کتب اصلی اسلامی که بعنوان مدرک تلمیحی شده اند، تاریخ نویسان شرق و غرب هم در این باره اتفاق کلمه دارند جرجی زیدان در کتاب تمدن اسلامی ج ۱/ص ۸۲ میگوید:

«غلبه مسلمانان برای مردم سنگین تمام نمیشد بلکه جوامع کثراً آنها را بر حکام اصلی خود ترجیح میدادند. جزیه ای (مالیاتی) که پرداخت میکردند خیلی کمتر از آن بود که به فارس و روم میدادند.»

و همین مضمون را گوستاو لوبون در کتاب تمدن اسلام و عرب ص-

۱۵۷ با بیان ذیل اشاره میکند:

« و بعد در مقابل این آزادی که بآنها (کفار) میدادند خراج خیلی کمی بعنوان جزیه از آنها میگرفتند که مقدار آن نسبت با جحافات حکام سابق خیلی کم بوده است.»